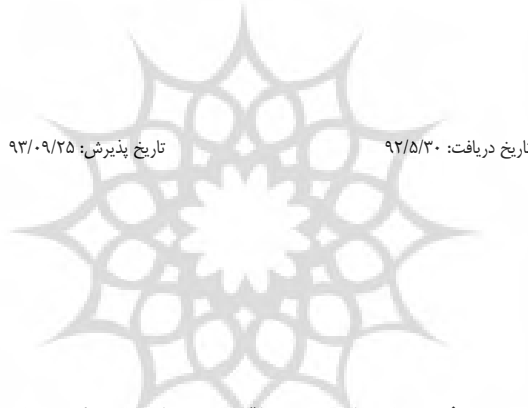


## نقش شهرک‌های صنعتی در توسعه اجتماعی و فرهنگی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: شهرک صنعتی گرگان ۲)

خدیدجه بوذرجمهری - دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران  
نسیم یوسفی<sup>۱</sup> - دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران



تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۹/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۲/۵/۳۰

### چکیده

صنعتی شدن به عنوان یک تصمیم سرنوشت ساز برای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال رشد ضروری محسوب می‌شود. ایجاد شهرک‌های صنعتی در نواحی روستایی می‌تواند در تثبیت و نگه‌داشت جمعیت، تأمین اشتغال و افزایش درآمد برای روستاییان مؤثر باشد. براین اساس در دو دهه اخیر، استقرار صنایع در نواحی روستایی در قالب شهرک‌ها و نواحی صنعتی با هدف دستیابی به توسعه روستایی مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گرفته است. به طوری که تا پایان سال ۱۳۸۹ تعداد نواحی صنعتی مصوب در کشور ما برابر با ۳۳۵ ناحیه بوده است که این روند منجر به تغییرات عمده‌ای در مناطق روستایی شده است. هدف از انجام این پژوهش، بررسی میزان اثرگذاری ایجاد شهرک‌های صنعتی بر توسعه اجتماعی و فرهنگی روستاییان است که در این پژوهش کارگران روستای حیدرآباد و روستاهای همجوار به صورت نمونه انتخاب شده‌اند. روش تحقیق در این پژوهش از نوع کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی انجام گرفته است. جامعه آماری تحقیق شامل ۱۱۳ نفر از کارگران روستایی شاغل در ۱۲ واحد تولیدی (۵۰ درصد واحدها) شهرک صنعتی گرگان ۲ و شامل دو گروه است، گروه اول (A) ۴۵ نفر از کارگران ساکن در روستاهای اطراف حیدرآباد که روزانه به شهرک ایاب و ذهاب می‌کنند و گروه دوم (B) که ۶۸ نفر کارگران ساکن در خود روستای حیدرآباد هستند که مورد پرسشگری قرار گرفتند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد تأسیسات شهرک صنعتی باعث افزایش اشتغال و کاهش مهاجرت روستایی بویژه در روستای حیدرآباد شده است.

واژه‌گان کلیدی: شهرک‌های صنعتی، توسعه اجتماعی و فرهنگی، شهرک صنعتی گرگان ۲.

## ۱. مقدمه

یکی از راهبردهای مهم توسعه نواحی روستایی، صنعتی سازی است که در دهه‌های ۵۰، ۶۰، ۷۰ راهبرد غالب توسعه محسوب می‌شد و یکی از آثار صنعتی شدن، شهرک های صنعتی است که ایجاد آن از اواخر قرن ۱۹ به دلایل رشد صنعت، محدودیت زمین، جلوگیری از آلاینده‌گی های صنعتی و استفاده از صرفه جویی مقیاس صنایع در تعدادی از کشورهای صنعتی آغاز گردید (Antonio Díaz Andrade, 2009:45). رشد و گسترش شهرک‌های صنعتی بخصوص از نیمه دوم قرن بیستم به بعد سرعت فزاینده‌ای به خود گرفت که بتدریج با مطرح شدن خوشه‌های صنعتی، به سمت تخصصی شدن پیش رفته‌اند (Cavana& et al, 2001:44). با استقرار شهرک‌های صنعتی، بسترهای مناسب برای رشد و شکوفایی صنعت به دلیل ارائه تسهیلات عمومی، خدمات و آماده سازی زمین با قیمت مناسب فراهم شده و نظر صاحبان صنعت برای استقرار در این شهرک‌ها جلب می‌شود.

محققانی نظیر آلکا پارینخ معتقدند، تمرکز صنعت در نواحی روستایی سهم قابل توجهی در ایجاد اشتغال، افزایش آگاهی‌ها، گسترش آموزش، سرمایه گذاری بیشتر در بخش کشاورزی و افزایش درآمد خانواده‌های فقیر شده است (Parikh, 1996: 375). پاره‌ای تحقیقات نشان داده است که نواحی صنعتی در کاهش مهاجرت‌های روستایی، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، رفاه روستاییان و گسترش صادرات روستایی مؤثر بوده است (پورا احمد و همکاران ۱۳۸۱: ۵۶)، (افتخاری و طاهرخانی ۱۳۸۱: ۲۰). در واقع نواحی صنعتی به عنوان یک کاتالیزور در جهت ایجاد اشتغال و افزایش درآمد عمل نموده و راهکاری برای حل مشکل فقر مناطق روستایی محسوب می‌شود (طاهرخانی، ۱۳۸۰: ۳۴). بر اساس این دیدگاه صنعتی شدن روستا و گسترش فعالیت‌های غیر کشاورزی عاملی بر افزایش رفاه و تأمین کالاها و خدمات ضروری برای خانوارهای روستایی محسوب می‌شود. تأثیرات شهرک‌های صنعتی بر نواحی روستایی بسته به هر کشوری و مکانی و زمانی متفاوت است. ولی به هر صورت این تأثیرات بر نواحی روستایی آن طوری زیاد است که در برخی از متون توسعه روستایی از شهرک‌ها و نواحی صنعتی به عنوان موتور محرکه توسعه روستایی یاد شده است (Vepa Ram, 2002:12). در ایران نیز یکی از راهبردهای توسعه کشور در دهه‌های ۱۳۵۰، ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ استراتژی صنعتی کردن روستاها و طرح ایجاد نواحی صنعتی روستایی بوده است (اختر، ۱۳۸۳: ۹۳). که هدف از آن تنوع بخشیدن به اقتصاد روستا، جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه از مناطق روستایی به مناطق شهری، کاهش نابرابری فضایی بین مناطق شهری و روستایی بوده است. در این زمینه گروهی از محققان توسعه روستایی کشور، صنعتی شدن روستا را به عنوان سنگ بنای استراتژی آینده مورد بحث قرار داده و معتقدند صنعتی شدن روستایی در برنامه طرح جامع ملی و نیز افزایش نرخ صادرات در جهت ایجاد تعادل در تراز پرداخت‌ها با سه هدف عمده: اصلاح درآمد سرانه، کاهش بیکاری و کاهش عدم تعادل بین منطقه‌ای، امری اجتناب ناپذیر در فرآیند توسعه اقتصادی است. با عنایت به این مهم، در دو دهه اخیر استقرار صنایع در روستا از قالب شهرک‌ها و نواحی صنعتی در دستور کار مسئولان و برنامه‌ریزان کشور قرار گرفته است (مطیعی لنگرودی و نجفی کانی، ۱۳۸۶: ۱۴۷). به این دلیل که ناتوانی اقتصاد روستا و بخش کشاورزی در جذب نیروی بیکار و تأمین معاش روستاییان باعث شد تا متولیان توسعه روستایی در برنامه‌های خود این سیاست جدید را با هدف گسترش صنعت در روستا و استفاده از فن آوری مناسب به صورت غیر متمرکز به کار گیرند و این امر از اواسط دهه ۱۹۶۰ با تأکید بر صنایع کوچک روستایی آغاز شد. نتایج حاصل از سه دهه کاربرد این راهبرد در برخی از کشورهای در حال توسعه حاکی از موفقیت آن در جهت نیل به اهداف توسعه روستایی بوده و در حال حاضر به عنوان یکی از راهبردهای مهم، مورد توجه بسیاری از کشورهای در حال توسعه واقع شده است. توسعه روستایی شامل طیف وسیعی از تحولات عمیق در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی در نواحی روستایی است و به دنبال توزیع منصفانه درآمد، افزایش استانداردهای زندگی و ایجاد فرصت‌های شغلی در این نواحی است (Ezeala-Harrison, 1996: 15).

صنایع روستایی به دلیل اشتغال، افزایش درآمد و کاهش فقر در جامعه روستایی به ویژه در جوامعی که اقتصاد کشاورزی حکم‌فرماست از اهمیت بسزایی برخوردار است. مسائل و مشکلات زیستی، اختلاف درآمد و سطح زندگی بین جوامع شهری و روستایی که از عوامل مهم مهاجرت‌های روستایی-شهری است، بسیاری از برنامه‌ریزان را به اتخاذ استراتژی جدید توسعه روستایی به ویژه صنعتی کردن روستاها واداشت. بنابراین باید به متنوع سازی اقتصاد روستایی و کارا نمودن آن از طریق ایجاد انواع فعالیت‌های اقتصادی به خصوص صنعتی کردن روستاها توجه نمود (لنگرودی، ۱۳۸۲: ۱۵۲). زیرا تأثیرات و نفوذ صنعت در مناطق روستایی ضمن ایجاد اقتصادی فعال می‌تواند دارای اثرات تکاثری باشد، به طوری که تجربه‌های کشورهای متعدد نشان می‌دهد هر تغییر ساختاری از طریق صنعتی شدن، نه تنها نقش اقتصادی با ارزش در مناطق روستایی ایجاد می‌کند بلکه منجر به اقتصاد خود رانشی می‌شود (میسرا، ۱۹۹۰: ۱۷). بنابراین از آنجایی که یکی از سیاست‌های اساسی دولت تنوع بخشیدن به اقتصاد روستا، جلوگیری از مهاجرت بی رویه از مناطق روستایی به مناطق شهری، کاهش نابرابری فضایی بین مناطق شهری و روستایی است و چنان که اشاره شد گروهی از محققان توسعه روستایی، صنعتی شدن روستا را به عنوان سنگ بنای استراتژی توسعه آینده مورد بحث قرار داده و معتقدند صنعتی شدن روستایی در چارچوب طرح ملی و نیز افزایش نرخ صادرات در جهت ایجاد تعادل در تراز پرداخت‌ها با اهداف عمده اصلاح درآمدسزانه، کاهش بیکاری و کاهش عدم تعادل بین منطقه‌ای امری ضروری در فرآیند توسعه است، لذا با عنایت به این مهم، در دو دهه اخیر استقرار صنایع در روستا در قالب شهرک‌ها و نواحی صنعتی در دستور کار مسئولان و برنامه‌ریزان کشور قرار گرفته است و می‌تواند نقش مهمی در افزایش تولیدات روستایی، بهره‌وری، ایجاد فرصت‌های شغلی، تأمین نیازهای اساسی و ایجاد پیوند با دیگر بخش‌های اقتصادی ایفا نماید. بر همین اساس در این پژوهش سعی شده است نقش و جایگاه شهرک صنعتی گرگان ۲ در توسعه اجتماعی و فرهنگی ناحیه مورد مطالعه بررسی و ارزیابی شود.

## ۲. مروری بر ادبیات تحقیق

### ۲-۱. پیشینه تحقیق

اسلام ریزوانول (۱۹۹۴) در تحقیقی جامع اثرات صنعتی شدن مناطق روستایی را به عنوان موتور محرک توسعه روستایی در چین معرفی و تصریح می‌دارد که با استقرار صنعت در مناطق روستایی ضمن افزایش درآمد خانوارها، الگوی مصرف مواد غذایی و کالاهای مصرفی بادوام به میزان قابل توجهی دچار تغییرات اساسی شده است. آلکا پاربخ (۱۹۹۶) در تحقیقی تحت عنوان "تأثیر صنعتی سازی روستایی بر زندگی و اقتصاد روستایی در هند" معتقد است، تمرکز صنعتی سهم قابل توجهی در افزایش آگاهی‌ها، گسترش آموزش، سرمایه گذاری بیشتر در بخش کشاورزی و افزایش درآمد خانواده‌های فقیر روستایی هند شده است. الیزابت کورول (۲۰۰۰) در پژوهش "تصاویر و تجارب توسعه در چین" نتیجه گیری می‌کند که یکی از رویکردهای مؤثر توسعه روستایی، صنعتی کردن روستاهای چین بوده است. سانجی کومار (۲۰۰۵) و راتو رانگ (۲۰۰۵) در تحقیقات خویش به این نتیجه رسیده‌اند که یکی از علل پیشرفت سریع هند در دهه‌های اخیر، توسعه روستایی بوده و صنایع روستایی تا حد زیادی توانسته باعث تحرک در بخش کشاورزی شود زیرا این صنایع از نوع صنایع تبدیلی و تکمیلی بوده ولذا تأثیرگذاری آن نیز بیشتر است.

مطیعی لنگرودی (۱۳۷۹) در مطالعه "اثرات اجتماعی و اقتصادی شهرک صنعتی کلات مشهد"، معتقد است: شهرک‌های صنعتی علاوه بر جذب نیروی کار مازاد نواحی روستایی، بر افزایش درآمد و بهره‌وری این نواحی تأثیر مثبت دارند. طاهرخانی (۱۳۸۰) در مقاله "نقش نواحی صنعتی در توسعه مناطق روستایی استان مرکزی" به این نتیجه رسیده که استراتژی نواحی صنعتی در ایجاد فرصت‌های شغلی برای روستاییان موفقیت آمیز نبوده، زیرا اکثریت شاغلین نواحی صنعتی را ساکنان مناطق شهری تشکیل می‌دادند ولی تأثیری در پیوند میان تولید کشاورزی و صنعت نداشته است.

افتخاری و طاهرخانی (۱۳۸۱) در مقاله "استقرار صنعت در روستا و نقش آن در رفاه مناطق روستایی" پنج اثر عمده صنعتی شدن روستا را، ایجاد اشتغال پایدار و افزایش درآمد، کاهش مهاجرت‌های روستایی، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، افزایش رفاه روستایی و گسترش صادرات روستایی ذکر کرده‌اند. پوراحمد و همکاران (۱۳۸۱) در پژوهشی با عنوان "نقش نواحی صنعتی در اشتغال و کاهش مهاجرت‌های روستایی (نمونه موردی: ناحیه صنعتی لاسجرد)" با رد این فرضیه که ایجاد نواحی صنعتی از طریق اشتغال‌زایی موجب کاهش مهاجرت روستاییان به شهر است، معتقدند دستیابی به این هدف منوط به ایجاد روحیه مشارکت در روستاییان و مساعدت نظام بانکی است. مطیعی لنگرودی و نجفی کانی (۱۳۸۵) در بررسی و ارزیابی اثرات شهرک‌ها و نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی (نمونه موردی: شهرستان بابل) به این تأثیر مثبت رسیده‌اند. سرور امینی و همکاران (۱۳۸۹) نیز در پژوهشی به نام "بررسی اثرات شهرک صنعتی اشتهارد بر توسعه روستاهای همجوار" به این نتیجه رسیده‌اند که احداث شهرک‌ها و مراکز صنعتی در زمینه اشتغال‌زایی و جذب نیروی کار ساکن روستاها در عمل با موفقیت همراه نبوده و اشتغال شهری بر اشتغال روستایی تقدم داشته است. رضوانی و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهش "تحلیل اثرات اقتصادی و اجتماعی نواحی صنعتی در توسعه نواحی روستایی نمونه (ناحیه صنعتی سلیمانی تنکابن)" بیان کرده‌اند که ایجاد ناحیه صنعتی آثار مثبتی در زمینه‌های بیمه اجتماعی، اشتغال و درآمد، بهبود مسکن، تغذیه و رفاه اجتماعی داشته است. بوزرجمهری، شایان و حمزه‌ایی (۱۳۹۱) در مقاله "بررسی اثرات اقتصادی شهرک‌های صنعتی بر نواحی روستایی پیرامون (نمونه موردی: شهرک صنعتی خیام نیشابور)" با مقایسه کارگران روستایی شاغل در شهرک و سایر شاغلین روستایی به این نتیجه رسیده‌اند که وضعیت اقتصادی کارگران شهرک بهتر از گروه دوم بوده ولی شهرک در جذب کارگران روستایی کمتر موفق بوده است. بوزرجمهری، شایان و بهرامی (۱۳۹۲) در پژوهش "آثار اقتصادی اجتماعی شهرک صنعتی چناران بر نواحی روستایی" به این نتایج رسیده‌اند که گرچه رضایت شغلی، بیمه و میزان ارتباط با رسانه‌ها، نزد کارگران شهرک بیشتر است اما از نظر میزان مشارکت مالی و یدی و مشورتی کمتر از سایر شاغلین روستایی است و ضمناً تمایل به ماندگاری در روستا در بین کارگران شهرک کمتر است.

## ۲-۲. مبانی نظری تحقیق

در سال‌های اخیر یک چالش مداوم در ارتباط با نقش صنعت و خدمات زیر بنایی وجود داشته است که اقدامات مهمی در آن زمینه صورت گرفته است. در نتیجه اغلب برنامه‌ریزان و سیاست‌گزاران جهت گیری توسعه اقتصادی را به صنعت و به تبع آن ارائه خدمات زیربنایی معطوف داشته‌اند. صنعت بر اقتصاد داخل تأثیر بسزایی می‌گذارد که از طریق تأثیر مطلوب بر کارایی و تخصیص منابع و تغییرات تکنولوژی باعث ایجاد اشتغال و بهره‌برداری می‌شود. بر این اساس است که شهرک‌های صنعتی با هدف استقرار سازمان دهی شده صنایع کوچک و متوسط و حتی بزرگ مبتنی بر مکان‌یابی بهینه فعالیت‌های صنعتی و هماهنگی صنایع با شرایط بومی و فرهنگی و استفاده از ظرفیت‌های تولید موجود کارایی نظام اقتصادی را افزایش می‌دهد. اینجاست که لزوم اتخاذ تصمیم درباره چگونگی استقرار مجموعه واحدهای صنعتی بوسیله دولت پیش می‌آید و دولت بوسیله ابزارهای مختلف کوشش می‌کند که بر تصمیمات انتخاب مکان واحدهای صنعتی با توجه به روابط منحصر به فرد اقتصادی هر منطقه تأثیر بگذارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که علل و عوامل مؤثر بر طرح‌های صنعتی به دو دسته عوامل بیرونی و عوامل درونی به شرح ذیل تقسیم می‌شود:

۱. عوامل بیرونی: متأثر از شرایط محیطی و قوانین و مزایا و مواردی که به واسطه استقرار واحدهای صنعتی در شهرک صنعتی ایجاد می‌شود.

۲. عوامل درونی: عواملی که باید ریشه آن‌ها در خود واحدهای صنعتی و به خصوص در سطح مدیریتی این طرح‌ها جستجو کرد (وزارت صنایع و معادن). اما در هر صورت و بدون تردید صنعتی شدن یک تصمیم سرنوشت ساز در زمینه‌ی

توسعه اجتماعی و فرهنگی کشورهای جهان سوم است و ضرورتی غیر قابل انکار است (حیدری، ۱۳۸۲:۱۴۲). صنعتی شدن باعث تحرک قسمت‌های زیادی از منابع مالی در جهت توسعه اقتصادی می‌شود (کاسترو، ۱۳۶۵:۱۲۹) به عبارت دیگر صنعتی شدن به عنوان ابزار ایجاد رشد سریع اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال توسعه است و صنعتی شدن روستایی به عنوان قسمتی از سیاست توسعه همه جانبه روستایی قادر است با ایجاد فرصت‌های شغلی و هم با تأمین نیازهای اساسی جمعیت روستایی گامی در جهت توسعه روستایی باشد (یونیدو، ۱۹۹۱:۱۲۹). چنان که ام‌تی‌هاگ (۱۹۷۹) ضمن تحلیل فرآیند روستایی بر این باور است که در امتداد با دیگر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی، معتقد است صنعت باید به عنوان مهم‌ترین مؤلفه هر برنامه توسعه یکپارچه روستایی پذیرفته شود. ماهیت و الگوی صنعتی شدن چه در ابعاد کوچک مقیاس، و یا صنایع دستی و چه در ابعاد بزرگ مقیاس تابع مواد خام اولیه و منابع انسانی در ابعاد محلی و منطقه‌ای است. هاگ تصریح می‌کند که صنعتی شدن ضمن ایجاد مهارت‌های جدید و ایجاد هماهنگی موجب شکستن موانع سنتی رشد اقتصادی در مناطق روستایی است (هاگ، ۱۹۷۹:۵۱۰۱). یو سی نایاک (۱۹۹۶) نیز ضمن تحلیل روندهای توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه معتقد است که ارائه طرح‌های توسعه برای مناطق روستایی این کشورها غالباً با شکست روبه رو شده است. از نظر وی تنها راه حل مشکل فقر و بیکاری مناطق روستایی ایجاد فرصت‌های شغلی است و برنامه‌ریزی جهت استقرار صنعت در مناطق روستایی می‌تواند ضمن ایجاد اشتغال، اهداف توسعه روستایی را محقق سازد (نایاک، ۱۹۹۶:۲۱۹). بنابر چنین پیشینه‌ها و نظریاتی باید اذعان داشت که امروزه صنعت به عنوان اصلی‌ترین ابزار در توسعه و بخصوص توسعه مناطق عقب افتاده نقش محوری را به خود اختصاص داده است (کلانتری، ۱۳۸۰:۵۷). اما به رغم نقش و اهمیت این بخش از توسعه، مناطق عقب افتاده بسیاری از دولت‌ها در کشورهای جهان سوم به دلیل تمرکز در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری بیشتر به رشد ملی توجه دارند تا به توسعه یکپارچه منطقه‌ای و به همین دلیل برنامه‌های پنج ساله تدوین شده در این کشورها همواره بر میزان نرخ رشد تاکید کرده و برنامه‌ها و فعالیت‌ها را در راستای دستیابی به نرخ فوق تنظیم و اجرا می‌کنند. بررسی وضعیت صنعتی در این کشورها نشان دهنده این واقعیت است که صنایع عمدتاً در چند قطب توسعه متمرکز شده و مابقی مناطق در واقع از لحاظ صنعتی به طور عقب مانده رها شده‌اند.

مطالعه پیشینه تحقیق، نظریه‌ها و برنامه‌های توسعه کشور نشان دهد که برای تقویت ساختاری تلاش شده تا با ایجاد شهرک‌های صنعتی در نقاط مختلف به توسعه روستایی نائل گردید. به عبارتی تأسیس این شهرک‌ها بتواند سبب رشد و توسعه بخش کشاورزی، افزایش درآمد و اشتغال روستاییان و جذب نیروی کار مازاد فعالیت‌های کشاورزی و استفاده بهینه از منابع موجود، توسعه پایدار روستایی تحقق یابد.

### ۳. روش‌شناسی تحقیق

روش این تحقیق توصیفی و میدانی است و روش گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای انجام گرفته است. جامعه آماری شامل ۱۱۳ نفر از کارگران روستایی شاغل در ۱۲ واحدهای تولیدی (۵۰ درصد) شهرک صنعتی گرگان ۲ است. که شامل دو گروه هستند:

گروه اول (A) ۴۵ نفر از کارگران ساکن در روستاهای اطراف حیدرآباد که روزانه به این شهرک رفت و آمد می‌کنند. گروه دوم (B) ۶۸ نفر از کارگران شاغل در شهرک صنعتی هستند که ساکن خود روستای حیدرآباد می‌باشند. با این توضیح که شهرک صنعتی گرگان ۲ در این روستای تأسیس شده است. هر دو گروه مورد پرسشگری (پرسش‌نامه محقق ساخته) قرار گرفتند.

پرسش اصلی تحقیق این است که: استقرار شهرک صنعتی گرگان ۲ در روستای حیدرآباد در مقایسه با سایر روستاهای پیرامونی، چه تأثیرات اجتماعی فرهنگی بر روستاییان منطقه داشته است؟

با توجه به این پرسش فرضیه زیر مطرح است:  
استقرار شهرک صنعتی گرگان ۲ در روستای حیدرآباد در مقایسه با سایر روستاهای پیرامونی، باعث ارتقاء شاخص‌های اجتماعی فرهنگی (اشتغال زایی، رضایت شغلی، جمعیت پذیری، مشارکت، آگاهی و ..) روستاییان شده است.  
در پرسش‌نامه به کار گرفته شده و گویه‌های طراحی شده برای سنجش متغیرها با یکدیگر همبستگی درونی دارند.

#### ۴. محدوده مورد مطالعه

استان گلستان بین ۵۳ درجه و ۵۷ دقیقه تا ۵۶ درجه و ۲۲ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۸ دقیقه عرض شمالی در بخش شمالی کشور واقع شده است. این استان از شمال به کشور ترکمنستان، از جنوب به استان سمنان، از شرق به استان خراسان و از غرب به دریای خزر و استان مازندران محدود می‌شود. این استان از ۱۱ شهرستان (گرگان، گنبدکاووس، بندرگز، کردکوی، ترکمن، علی‌آباد، آق‌قلا، رامیان، آزادشهر، مینودشت و کلالة)، ۲۱ بخش، ۲۳ شهر، ۵۰ دهستان، ۹۸۹ آبادی مسکونی و ۷۵ آبادی غیرمسکونی تشکیل شده است. مساحت استان گلستان حدود ۲۰۴۳۷/۷ کیلومتر مربع (۱/۳ درصد از کل مساحت کشور و به عبارتی رتبه نوزدهم در بین استان‌ها) است. شهرک صنعتی گرگان ۲ در روستای زیبای حیدرآباد در ۱۲ کیلومتری غرب گرگان و در مسیر جاده گرگان- ساری واقع شده و دارای امکاناتی از قبیل: آب، برق، تلفن، گاز، دسترسی به اینترنت، تصفیه خانه فاضلاب و پست فشار قوی است و ۲۵ واحد تولیدی فعال در این شهرک وجود دارد. مهمترین واحدهای تولیدی صنایع فلزی، غذایی و سلولزی است. از تعداد کل کارگران ۱۲ واحد تولیدی مورد مطالعه، یعنی ۲۰۰ نفر، ۸۷ کارگر شهری (۴۳.۵ درصد) و ۱۱۳ کارگر روستایی (با ۵۶.۵ درصد) هستند. همچنین از ۱۱۳ کارگر روستایی، ۶۸ کارگر از خود روستای حیدرآباد (۶۰ درصد) و ۴۵ کارگر از روستاهای اطرافند (۴۰ درصد) که روزانه رفت آمد می‌کنند. در جدول (۱) مشخصات شهرک صنعتی آمده است.

جدول ۱. مشخصات شهرک صنعتی گرگان (۲)

مشخصات	مساحت / تعداد
مساحت کل شهرک (هکتار)	۴۰
مساحت فاز عملیاتی (هکتار)	۴۰
مساحت صنعتی (هکتار)	۲۲
تعداد قراردادهای منعقد شده	۴۷
تعداد واحدهای به بهره‌برداری رسیده	۱۳
تعداد اشتغال واحدهای به بهره‌برداری رسیده (نفر)	۴۱۶
فاصله تا فرودگاه (کیلومتر)	۲۰
فاصله تا راه آهن (کیلومتر)	۱۴
فاصله تا مرکز استان (کیلومتر)	۱۲
فاصله تا نزدیک‌ترین شهرستان (کیلومتر)	۱۲
فاصله تا گمرک (کیلومتر)	۸۰
فاصله تا نزدیک‌ترین بندر (کیلومتر)	۲۵

منبع: سایت شرکت شهرک‌های صنعتی [www.sme.ir](http://www.sme.ir)

جدول ۲. واحدهای فعال شهرک صنعتی گرگان ۲ به تفکیک تعداد کارگران شهری و روستایی

نام صنایع	تعداد واحد فعال	کارگر شهری		کارگر روستایی		جمع کارگران
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	
فلزی	۶	۲۰	۳۴.۵	۳۸	۳۵.۵	۵۸
غذایی	۵	۶۰	۴۷	۶۸	۵۳	۱۲۸
سلولزی	۱	۷	۵۰	۷	۵۰	۱۴
جمع	۱۲	۸۷	۴۳.۵	۱۱۳	۵۶.۵	۲۰۰

منبع: سازمان شهرک‌های صنعتی استان گلستان، ۱۳۹۲

## ۵. یافته‌های تحقیق

### ۵-۱. نگر داشت جمعیت

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است روستای مورد بحث نه تنها جمعیت فعال خود را از دست نداده بلکه جاذب جمعیت هم شده و وجود ۷۰ درصد سرپرستان خانوارهای در سنین ۲۰ تا ۶۵ ساله در روستای حیدرآباد شاهدی بر این مدعا است.

### ۵-۲. رضایت شغلی

ایجاد اشتغال و رضایت شغلی و ثبات درآمدی روستاییان نیز از پیامدهای مهم شهرک صنعتی بوده است و سبب افزایش ایجاد ماندگاری در روستا شده است. نتایج آزمون آماری (جدول ۳) نشان دهنده رضایت شغلی، بیمه و انگیزه ماندگاری بیشتر سرپرستان خانوارها، همسر و فرزندان آن‌ها در روستای حیدرآباد نسبت به خانوارهای ساکن در سایر روستاهای همجوار است و نتیجه این آزمون کاملاً معنادار بدست آمده است. بر اساس مقررات شهرک صنعتی، بیمه نمودن کلیه کارکنان واحدهای تولیدی الزامی است. براساس مطالعات ۸۷.۵ درصد شاغلین در بخش صنایع تحت پوشش بیمه قرار دارند.

جدول ۳. مقایسه رضایت شغلی، بیمه و انگیزه ماندگاری در روستای حیدرآباد و روستاهای فاقد صنایع

متغیر	MANN-WHITNEY	WILCOX ONW	Z	سطح معناداری
میزان رضایت از شغل	۶۷۹.۵	۲۹۵۷.۵	-۳.۳۷	۰.۰۰۰
میزان استمرار و تداوم شغل	۳۹۱.۰	۲۶۶۹.۰	-۷.۸۹	۰.۰۰۰
رضایت از بیمه	۱۲۲۲.۵	۲۹۳۳.۵	-۴.۱۳	۰.۰۰۰
انگیزه ماندگاری سرپرست خانوار	۸۹۷.۵	۳۷۲.۵	-۵.۱۲	۰.۰۰۰
انگیزه ماندگاری همسر سرپرست خانوار	۱۰۹۶.۵	۳۳۷۴.۵	-۴.۳۳	۰.۰۰۰
انگیزه ماندگاری فرزندان سرپرست	۱۱۴۲	۳۴۲۰	-۴.۰۳	۰.۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

### ۵-۳. افزایش روحیه مشارکت مردمی

از دیگر پیامدهای ایجاد شهرک‌ها و نواحی صنعتی ایجاد انگیزه برای مشارکت مردمی است که بصورت مشارکت مالی، یدی و مشورتی تجلی می‌یابد. مهم‌ترین اثر مشارکتی مردم در روستای حیدرآباد واگذاری زمین، تأمین آب، برق، و سایر زیر ساخت‌ها است که ناشی از افزایش درآمد. البته میزان مشارکت مشورتی کم و تأیید نگردیده است.

جدول ۴. مقایسه شاخص‌های مشارکت در روستای حیدرآباد و روستاهای همجوار

متغیرها	MANN-WHITNEY	WILCOXON	Z	سطح معناداری
مشارکت مالی	۱۲۵۵.۰	۳۹۶۶.۰	-۴.۷۱۶	۰.۰۰۰
مشارکت یدی	۱۴۱۹.۵	۳۱۳۰.۵	-۲.۹۷۷	۰.۰۰۳
مشارکت مشورتی	۱۸۰۷.۰	۳۵۱۸.۰	-۱.۵۰۴	۰.۱۳۳

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

#### ۴-۵. ارتباط با رسانه‌ها، مطبوعات و جراید

مطبوعات و رسانه‌های جمعی اهمیت بسزایی در رشد آگاهی و اطلاعات مردم و بخصوص کشاورزان دارد و استفاده از رسانه‌ها خود از وضعیت بهتر اجتماعی اقتصادی روستاییان است که بر آگاهی و بینش آن‌ها نیز مؤثر است. در آزمون آماری تی اثبات شد که گروه B نسبت به گروه A از وسایل رسانه بیشتری استفاده می‌کنند. بویژه از روزنامه مجله و رادیو و در کل این آزمون تأیید گردید.

جدول ۵. مقایسه میانگین استفاده از وسایل ارتباط جمعی در روستای حیدرآباد و روستاهای مجاور

متغیر	عنوان گروه	T	درجه آزادی	سطح معناداری	انحراف معیار	میانگین
رادیو	A	۲۸۳	۱۲۳	۰.۰۰۵	۳.۱۷	-۰.۸۹
	B	۲۹۳	۱۰۶.۹۹	۰.۰۰۴	۵.۶۰	۳.۲۸
تلویزیون	A	۲۰۲	۱۲۳	۰.۰۴۵	۱۱.۴۹	۲۳.۰۶
	B	۱.۹۹	۱۰۷.۸۳	۰.۰۴۹	۸.۸۹	۲۶.۷۳
روزنامه	A	۵.۰۰	۱۲۳	۰.۰۰۰	۱.۱۱	-۰.۲۵
	B	۵.۲۸	۸۶.۲۹	۰.۰۰۰	۲.۹۹	۲.۳۴
مجلات و کتاب	A	۳.۰۵	۱۲۲	۰.۰۰۳	۱.۰۰	-۰.۱۹
	B	۳.۲۸	۷۷.۲۱	۰.۰۰۲	۳.۷۱	۱.۷۴

A روستاهای فاقد صنایع B روستای حیدرآباد

#### ۵-۵. مسکن

ایجاد نواحی و شهرک‌های صنعتی در مناطق روستایی بر کیفیت مسکن روستایی از دو جهت اهمیت دارد: اول: الگوبرداری از ساختمان‌های ایجاد شده با مصالح مرغوب و کیفیت مهندسی در این مناطق. دوم: با افزایش درآمد روستاییان استفاده از مصالح بادوام در ساخت مسکن عمومیت پیدا خواهد کرد (مهندسین مشاور ورزبوم، ۱۳۸۲: ۳۸). البته در این پژوهش مساحت مسکن روستاییان دو گروه مورد بررسی قرار گرفته است و نتیجه آزمون نشان دهند وسعت بیشتر مسکن گروه B است. که احتمالاً ناشی از وضعیت اقتصادی بهتر آنان است.

جدول ۶. مقایسه میانگین وسعت مسکن روستای حیدرآباد و روستاهای مجاور

متغیر	عنوان گروه	T	درجه آزادی	سطح معناداری	انحراف معیار	میانگین
مساحت مسکن	A	-۲.۲۶	۱۲۳	۰.۰۱۹	۱۹.۴۷	۷۶.۷۳
	B	-۲.۴۰	۱۲۲.۳۹	۰.۰۱۸	۲۴.۱۸	۸۶.۱۱

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲



## ۶. بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین وظیفه‌های دولت برنامه‌ریزی برای کاهش مشکلات مردم است. در کشورهای جهان سوم بویژه در کشور ایران این مشکلات در مناطق روستایی به طور مضاعف گریبان گیر روستاییان هستند به طوری که فشار بر زمین‌های کشاورزی، سطح پایین زندگی و بیکاری نیروی کار روستایی از مهم‌ترین آن‌هاست که به نظر می‌رسد صنعتی کردن روستاها می‌تواند بهترین راهبرد در این خصوص باشد. یکی از روش‌های صنعتی کردن روستا ایجاد صنایع کوچک مقیاس همچون ایجاد شهرک‌های صنعتی در نواحی روستایی است که می‌تواند در تعدیل مشکلات جمعیت روستایی از نظر تأمین اشتغال و فعالیت مؤثر باشد. تأثیر مثبت شهرک صنعتی گرگان ۲ در اشتغالزایی و جذب نیروی کار مازاد روستایی که با نتایج تحقیق شهرک صنعتی کلات مشهد همسو ولی با نتایج شهرک صنعتی استان مرکزی و شهرک صنعتی اشتهارد و شهرک صنعتی سلیمانی تنکابن و صنعتی خیام مغایر است. در شهرک‌های اخیر نیروی کار شهری مقدم بوده است. تأثیر مثبت شهرک صنعتی گرگان ۲ بر افزایش آگاهی و ارتباط بیشتر با رسانه‌ها در نواحی روستایی که با تحقیقات شهرک صنعتی چناران (بوذرجمهری و همکاران، ۱۳۹۲) همسوست. اثرات مثبت شهرک صنعتی گرگان ۲ در نگه داشتن جمعیت روستایی، رضایت شغلی و بیمه و تمایل به ماندگاری در نواحی روستایی که با نتایج شهرک صنعتی کلات مشهد و شهرک صنعتی، همخوانی دارد.

افزایش مشارکت مالی ویدی کارگران شهرک صنعتی چناران ولی مشارکت مشورتی کمتر است که با نتایج شهرک صنعتی چناران همسویی دارد. در مجموع رضایت شغلی، آگاهی بیشتر، وضعیت بیمه بهتر، ارتباط بیشتر با رسانه‌ها و مطبوعات از آثار و نتایج مشترک شهرک هاست ولی در مورد جذب نیروی کار روستایی و اشتغال و کاهش مهاجرت، نتایج متفاوت بوده است و معمولاً کارفرمایان تمایل کمتری به استخدام کارگران روستایی دارند. با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهادهای زیر را می‌توان مطرح نمود:

۱. اولویت به استخدام نیروی کار روستایی باشد و با دوره‌های آموزشی و سواد آموزشی از آنان بیشتر استفاده شود.
۲. اولویت با احداث صنایع تبدیلی و تکمیلی و مواد غذایی باشد تا ضمن پیوند تولیدات کشاورزی و صنعت، از تجربه کشاورزان روستایی بیشتر استفاده شود.
۳. از مشارکت مشورتی روستاییان بیشتر استفاده شود و فقط به مشارکت‌های مالی یدی تأکید نشود تا به توانمندسازی آن‌ها منجر گردد.
۴. مساعدت نظام بانکی در توسعه کارخانجات مرتبط با فعالیت‌های کشاورزی.

## ۷. منابع

۱. ایروانی، هوشنگ، ۱۳۸۱، مدل‌های منظم توسعه پایدار کشاورزی و ترویج و آموزش و پرورش، وزارت جهاد کشاورزی
۲. حیدری، ایوب، ۱۳۸۱، توسعه و موانع توسعه در ایران، گفت‌مان.
۳. طاهرخانی، مهدی (۱۳۷۹)، نقش نواحی صنعتی در توسعه نواحی روستایی (مطالعه موردی: نواحی صنعتی روستایی استان مرکزی) رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس
۴. طاهرخانی، مهدی، ۱۳۸۰، نقش نواحی صنعتی در توسعه نواحی روستایی (مطالعه موردی: نواحی صنعتی در استان مرکزی) فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، سال سی و سوم، شماره ۴۰، صص ۴۶-۳۳.
۵. کلاتنری، خلیل، ۱۳۸۰، برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، تئوری‌ها و تکنیک‌ها، انتشارات خوش‌بین و انوار دانش.
۶. کاسترو، فیدل، ۱۳۶۵، بحران اقتصادی و اجتماعی جهان، ترجمه دکتر غلامرضا نصیر زاده، نشر امیر کبیر
۷. مطیعی لنگرودی، سید حسن، ۱۳۸۲، برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران، انتشارات جهاددانشگاهی مشهد.

۸. مطیعی لنگرودی، سید حسن، ۱۳۸۰، **اثرات اقتصادی، اجتماعی شهرک‌های صنعتی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرک صنعتی مشهد)**، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۱ صص ۳۸-۲۱.
۹. مطیعی لنگرودی، سیدحسن، و نجفی‌کانی، علی اکبر، ۱۳۸۶، **بررسی و ارزیابی اثرات شهرک‌ها و نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی (نمونه موردی: شهرستان بابل)**، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۸، صص ۱۶۵-۱۴۷.
۱۰. مهندسین مشاور ورزبوم، ۱۳۸۲، **مطالعه و ارزیابی نقد عملکرد ۱۷۰ ناحیه صنعتی کشور**، جلد اول، مباحث نظری نواحی روستایی در جهان و ایران، وزارت جهاد کشاورزی، معاونت صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی.
۱۱. بنیاد مسکن استان گلستان، **سرشماری روستاهای کشور**.
۱۲. شرکت شهرک‌های صنعتی گلستان، **دفتر آمار و اطلاعات**.
13. Hag.m.T., 1979, **industrialization in relation to integrated rural development with reference to Bangladesh: industry and development**, No 4.
14. misra:R.P and achyuta:RN., 1990, **micro-level rural planning: principle: methods and case study concept**, publishing company: newdelhi.
15. Nayak.U.S., 1994, **rural industrialization M.D –publication pvt-new delhi**.
16. Unido., 1991, **industry and development. Global report**.
17. Ezeala-Harrison, F., 1996, **Economic Development: Theory and Policy Applications**, Praeger Publishers, Westport, CT.

